

دخل و خرج و اقدامات انجمن بلدی انزلی بر اساس اسناد آرشیوی


دکتر قربانعلی کنارودی

■ چکیده

هدف از مقاله حاضر، بررسی عواید دخل و خرج و عملکرد انجمن بلدی انزلی است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی بر پایه اسناد تاریخی و منابع کتابخانه‌ای و روزنامه‌ای انجام و پس از بررسی و تحلیل اطلاعات تاریخی به نتیجه‌گیری پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، با تصویب نظام‌نامه بلدیة در ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ هجری برابر با ۱۲ خرداد ۱۲۸۶ شمسی، بلافاصله قرار انتخابات انجمن بلدی انزلی گذاشته شد و در تاریخ ۹ شعبان همان سال انتخابات برگزار و منتخبان مردم از طبقات شش‌گانه شهری معلوم شدند و یکی از نخستین نهادهای مدنی در ایران و گیلان شکل گرفت و علی‌رغم مشکلات و موانع متعدد و ناسازگاری برخی از رجال و خوانین محلی، با قوت به کار خود ادامه داد. این انجمن در دوران کوتاه فعالیت خود با استفاده از عایدات گمرکی مانند تخم‌مرغ و کُرپی (مالیات پل و راهداری) و عایدی از اعضای انجمن و وکلای مردم و هدایای برخی رجال سرشناس، اقدامات مهمی را در زمینه‌های عمران شهری و امور فرهنگی و ارزاق عمومی و بهداری در این شهر انجام داد.

کلیدواژه‌ها

انجمن بلدی انزلی، عوارض تخم‌مرغ، امور شهری.



دخل وخرج و اقدامات انجمن بلدی انزلی بر اساس اسناد آرشیوی

دکتر قربانعلی کنارودی^۱

مقدمه

با توجه به سابقه ساختار سیاسی و حکومت استبدادی در ایران، ایجاد نهادی مدنی به منظور اداره امور کشوری و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های حکومتی و نظارت بر آن، کاری عبث و بیهوده به نظر می‌رسید زیرا ماهیت نظام‌های استبدادی طوری است که به راحتی حاضر به واگذاری و تفویض اختیارات به نهادهای حکومتی و مدنی نبوده و تحمل رشد نهادهای حکومتی و مدنی هم‌عرض با خود را نخواهد داشت.

به نظر می‌رسد از دوره ناصرالدین شاه قاجار، با توجه به مسافرت‌ها و مشاهدات او در اروپا و همچنین آشنایی محصلان اعزامی به اروپا، کم‌کم زمزمه ایجاد نهادهای حکومتی و مدنی در ایران شروع شد. البته این نهادهای مدنی فقط صورت ظاهری داشته و در عمل چندان موفق به ایفای نقش خود نشدند، زیرا کارها بایستی بنا بر میل و اراده شاه انجام می‌شد. بنابراین تأثیر نهادهای حکومتی و مدنی در جامعه زمانی صورت عملی به خود می‌گرفت که اراده قانون در جامعه حاکم شود و بر اساس آن، نهادهای حکومتی مختلف که اختیار آن‌ها را نیز قانون مشخص می‌کرد، در جامعه به وجود می‌آمد و انجام وظیفه می‌کرد. آنچه در انقلاب مشروطه انتظار می‌رفت، تشکیل نهاد قانون‌گذاری و تبع آن ایجاد نهادهای حکومتی و مدنی به منظور مقابله با روحیه خودکامگی و استبدادپروری مقام سلطنت بود.

با پیروزی انقلاب مشروطه و صدور فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه، میرزا نصرالله خان مشیرالدوله صدراعظم، مأمور تأسیس مجلس منتخبین برای تنظیم نظامنامه انتخابات

۱. دکترای تاریخ، عضو هیئت علمی
پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و
کتابخانه ملی ایران؛
gh.k.edu@gmail.com



مجلس شورای ملی شد. سرانجام نظامنامه انتخابات در ماه رجب ۱۳۲۴ هجری قمری به امضای مظفرالدین شاه رسید و در ماده نهم آن، چگونگی تشکیل انجمن محلی در شهرها و انجمن ایالتی در مرکز ایالات مطرح شد. این انجمن‌ها به منظور نظارت بر حسن انتخابات تأسیس شدند و قرار بود بعد از آن منحل شوند، اما با تقاضای اهالی شهرها، به کار خود ادامه دادند و علاوه بر کار نظارت بر انتخابات، به امور دیگری چون نظارت بر کار حکمرانان و رسیدگی به عرایض و شکایات مردم پرداختند. بعدها با تصویب قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی، بر اختیارات آن‌ها افزوده شد. نظارت بر انتخابات مجلس، نظارت بر کار حکام و اقامه دعوا علیه آن‌ها، امور مربوط به مالیات، انجام کارهای عام‌المنفعه، تولید اموال عمومی و تأسیس صندوق بازنشستگی برای متحدان دولتی از مهم‌ترین وظایف این انجمن‌ها بود.

انجمن‌های بلدی از جمله دیگر نهادها و مؤسسات مدنی برآمده از مشروطیت است. قانون انجمن‌های بلدی در ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ هجری قمری برابر با ۱۲ خرداد ماه ۱۲۸۶ در زمان مجلس اول به تصویب رسید. این انجمن نیز مانند سایر نهادهای برخاسته از مشروطه در ابتدا وضعیت مطلوبی پیدا نکرد و تا سال ۱۳۰۹ که قانون جدید بلدی تصویب شد، در بسیاری از شهرهای ایران تشکیل نشده بود. اگر در برخی شهرها هم تشکیل شد به علت عدم همراهی حکام و یا نداشتن بودجه لازم حال و روز خوبی نداشت. با تصویب قانون بلدی در سال ۱۳۰۹، انجمن بلدی اهمیت خاصی پیدا کرد و نگاه مردم و دولت نیز نسبت به آن تغییر چشمگیری یافت. طبق قانون جدید طبقات سه‌گانه تجار، اصناف و ملاکین حق انتخاب شدن، پیدا کردند. این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که انجمن بلدی انزلی پس از آغاز به کار، مخارج خود را چگونه تأمین کرده و چه اقدامات مهمی در امور شهری انجام داده است؟ فرضیه ما در این مقاله بر این قرار گرفت که با توجه به نزدیکی انزلی به رشت و از سوی دیگر ارتباط بازرگانی و تجاری این شهر با خارج از کشور موجب شد تا الگوها شهری و نهادهای مدنی در نظر مردم و بزرگان شهر انزلی شناخته شده و این شهر را در ردیف یکی از نخستین و پیشگام‌ترین شهرها در تشکیل و پذیرش نهادهای مدنی و مدیریت جدید شهری قرار دهد.

شکل‌گیری انجمن‌های مدنی در گیلان

سابقه تشکیل نهادهای حکومتی و مدنی در گیلان به عهد ناصری و زمان حکمرانی محمودخان ناصرالملک برمی‌گردد. مردی که به سیر و سیاحت در اروپا پرداخته بود و اهل اصلاحات و ترقی بود. او با ایجاد نخستین نهاد مدنی در گیلان با نام انجمن «مصلحت‌خانه» به انجام خدمات اجتماعی و عمرانی در گیلان پرداخت. از آنجایی که پیدایش چنین اساسی در این دوره متکی به شخص بود، با پایان گرفتن حکومت چندماهه ناصرالملک در گیلان، انجمن



مصلحت‌خانه نیز تعطیل شد. زمان حکمرانی عضدالسلطان پسر مظفرالدین شاه در گیلان با برپایی هرگونه انجمن برای مشورت در امور به شدت مخالفت شد.

۱- انجمن ملی رشت

نخستین نهاد مدنی که بعد از پیروزی مشروطه در گیلان تأسیس شد، انجمن ملی رشت بود. این انجمن در زمان حکمرانی میرزا صالح‌خان وزیر اکرم و به همت او و با هدف نظارت بر انتخابات مجلس تأسیس شد. این انجمن در ابتدا با عضویت شش نفر شروع به کار کرد اما پس از سه ماه، بالغ‌بر چهل نفر به عضویت این انجمن در آمدند. جلسات انجمن، در خانه حاجی مجتهد تشکیل می‌شد (رایینو، ۱۳۸۶، ص ۲۶). طبقات مختلف اجتماعی و دارای عقاید و تفکرات گوناگون در این انجمن، عضو بودند. برخی از اعضای این انجمن که تحت تأثیر اندیشه‌های تند انقلابیون قفقاز قرار داشتند، مردم را به ندادن مالیات و مال‌الاجاره و بهره مالکانه تشویق می‌کردند. این عده خواهان برچیده‌شدن نظام ارباب-رعیتی بودند و چندان به شیوه مسالمت‌آمیز معتقد نبودند. افرادی مثل سید جلال شهرآشوب و میرزا رحیم‌آقا شیشه‌بر، در این گروه قرار داشتند (ملک‌زاده، ۱۳۷۱، ص ۳۶۱).

حضور افراد با سلیقه‌ها و تفکرات سیاسی مختلف و گاهی متضاد با یکدیگر سبب شد، انجمن ملی رشت در درون دچار اختلاف شود. نخستین شکاف بین اعضای این انجمن، بر سر انتخاب سپهدار تنکابنی به‌جای وزیر اکرم، به‌عنوان حکمران جدید گیلان آشکار شد و سبب شد برخی از اعضای آن، انجمن را ترک کنند و شاخهٔ دوم انجمن ملی رشت را به‌وجود آورند. سپهدار تنکابنی حاکم جدید و منجم‌باشی تلاش کردند اختلاف بین اعضای انجمن ملی رشت را مرتفع سازند. موضوع اختلاف بین اعضای انجمن ملی رشت به مجلس شورای ملی کشیده شد و قرار شد مأمورانی از طرف مجلس برای برگزاری صحیح انتخابات انجمن ملی به گیلان اعزام شوند. با تشدید اختلافات بین اعضای تندرو و میانه‌روی انجمن ملی رشت، گروهی از مخالفان مشروطه به سرکردگی حاجی ملا محمد خمایی در اعتراض به اعمال انجمن رشت به تهران رفتند تا اعتراض خود را به دولتیان و مجلسیان اعلام کنند. گروهی از اعیان و زمین‌داران بزرگ نیز در خارج از شهر رشت در ناصریه چادر زدند و تحصن کردند و طی تلگرافی به مجلس شورای ملی خواستار آن شدند که دولت و مجلس تکلیف انجمن رشت را هر چه زودتر مشخص کند (رایینو، ۱۳۸۶، ص ۲۵).

در این بین، سپهدار تنکابنی برای پست صدراعظمی به تهران فراخوانده شد و صالح‌خان وزیر اکرم بار دیگر به حکمرانی گیلان منصوب شد. او به‌همراه حکم حکمرانی خود، مصوبه مجلس شورای ملی در مورد قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی و نظامنامه انتخاباتی آن را به



رشت آورد و به اطلاع عموم رساند. «معاذالسلطنه پیرنیا» و «محمد صفی خان» نمایندگان اعزامی از طرف مجلس شورا نیز به رشت آمدند و بدین ترتیب دست اعضای انجمن ملی رشت، در امور گیلان کوتاه شد و اولین نهاد مدنی در رشت بعد از هفت ماه، به کار خود خاتمه داد (رایینو، ۱۳۸۶، صص ۲۹-۳۰).

۲- انجمن ولایتی گیلان

با تصویب قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی در ۱۲۸۶ شمسی برابر با ۱۹۰۷ که قوانین مربوط به تشکیل انجمن‌ها، شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان، ترتیب انتخاب اعضا، در شهرها و بلوکات، وظایف انجمن‌های ایالتی و بودجه و محاسبات مربوط به تعیین ایالت و ولایت را به‌طور دقیق مشخص کرده بود (آفاری، ۱۳۸۵). طبیعی بود که این قانون باید در تمام ایالات و ولایات سراسر کشور اجرا شود. در گیلان علی‌رغم حضور نمایندگان اعزامی از سوی مجلس شورا، اجرای آن با مشکلاتی همراه شد. گروهی از مخالفان مشروطه و طرفداران استبداد که ماهیت آن‌ها برای عموم مشخص نبود، خواستار طبقاتی برگزار شدن انتخابات بودند. در مقابل، مشروطه‌خواهان خلاف این نظر را داشتند و نگران بودند چنانچه انتخابات طبقاتی برگزار شود، ممکن است نمایندگان طبقه اشراف رأی بیشتری بیاورند.

مشکل دوم، اعتراض مشروطه‌خواهان به ولایت خوانده‌شدن گیلان بود چون تعداد و نحوه انجمن‌ها و امتیازات سیاسی و اقتصادی بین ایالت و ولایت تفاوت داشت. اختلاف بر سر این موضوع بین مشروطه‌خواهان و نمایندگان اعزامی در رشت، شدت گرفت و موضوع به مجلس شورای ملی ارجاع داده شد. مجلس رأی به ولایت‌بودن گیلان داد و در این حالت فقط شش وکیل می‌توانستند وارد مجلس شوند. در روز برگزاری انتخابات، حاجی‌آقا بزرگ که منتقد ایالت‌بودن گیلان بود، در مسجد جامع رشت که محل اخذ رأی بود، مجلس ختم برگزار کرد. با دخالت قزاق‌ها، محل را از وجود معترضان خالی کردند و انتخابات برگزار شد. اما گروه‌های ناراضی به تلگراف‌خانه رشت رفتند و طی تلگرافی، خواهان مذاکره با رئیس مجلس شدند. صنیع‌الدوله رئیس مجلس، بعد از اطلاع از اخبار گیلان، دستور توقف انتخابات گیلان را صادر کرد. موضوع گیلان در دستور کار رسمی مجلس شورای ملی قرار گرفت و اکثریت نمایندگان دوباره رأی به ولایت‌بودن گیلان و طبقاتی‌بودن انتخابات آن دادند و مقرر شد هر یک از طبقات شش‌گانه (علماء، تجار، فلاحین، اصناف، مالکین و اعیان) یک نفر برای عضویت در این انجمن ولایتی بفرستند و شش نفر از انجمن بلوکات نیز بر این تعداد اضافه شوند (یوسف‌دهی، ۱۳۸۷، ص ۲۹).

به‌دنبال انتشار خبر تصمیم مجلس شورا، مشروطه‌خواهان گیلان به‌ویژه جناح تندرو،



طبقاتی بودن انتخابات را به سود اشراف و مستبدان و پایان آرزوهای مشروطیت دانسته و اعتراض کردند. جمع کثیری از مشروطه‌خواهان تندرو، پای پیاده راهی تهران شدند تا اعتراض خود را به گوش دولت و مجلسیان برسانند. عده‌ای از اصناف و تعداد زیادی از مشروطه‌خواهان در رشت و کسما و فومن تصمیم گرفتند به طرف تهران حرکت کنند. مذاکرات مجلس همچنان خیر از نظر مجلس مبنی بر ولایت بودن گیلان داشت، عده‌ای به قزوین برگشتند، گروهی نیز در منجیل تحصن کردند. در نهایت با توافق اشراف و مستبدان و جناح مشروطه‌خواهان معتدل، انتخابات انجمن ولایتی گیلان برگزار شد (رابینو، ۱۳۸۶، ص ۲۹).

مقاومت انجمن بلوکات در برابر انحلال، آشوب در گرگان‌رود، شورش اهالی دیلمان، چالش در مقابل انجمن تندرو و انقلابی ابوالفضلی یا همان انجمن عباسی، سبب شد انجمن ولایتی گیلان در برقراری نظم و آرامش در گیلان دچار مشکل شود. انتشار خبر به توپ بستن مجلس توسط محمدعلی شاه، اوضاع را بدتر کرد. ظهیرالدوله، حکمران وقت گیلان دستور داد سربازان در مقابل عمارت دارالحکومه به حالت آماده‌باش در بیابند و اداره تلگراف‌خانه و پست را که بسته بود، باز کنند. انجمن ولایتی در مقابل دستور حکمران، مبنی بر باز کردن بازارها مخالفت کرد. معین‌الممالک ریاست انجمن ولایتی به دارالحکومه پناه برد. قزاق‌ها تلاش کردند به زور هم شده بازارها را باز کنند. درگیری بین قوای دولتی و مشروطه‌خواهان، با شلیک تیری از سوی یکی از جوانان به طرف قزاق‌ها شدت گرفت. در اثر آن یک نفر از قوای دولتی کشته شد و هفده نفر از مشروطه‌خواهان نیز زخمی شدند که بعدها سه نفر از آنها درگذشتند (رابینو، ۱۳۸۶، ص ۴۱). با کمک قوای دولتی اوضاع گیلان در دست مستبدین قرار گرفت و مشروطه‌خواهان نیز دست از مقاومت برداشتند.

۳- انجمن ایالتی گیلان

بعد از حوادث محرم ۱۳۲۷ هجری قمری در گیلان و حمله مردم به ارگ حکومتی در پی واقعه باغ مدیریه و کشته‌شدن سردار افخم (آقا بالاخان وکیل‌الدوله) (سیفی قمی تفرشی، ۱۳۷۱، ص ۱۲۶) و خلع سلاح قزاق‌ها و تسلط مشروطه‌خواهان بر رشت و انزلی، کمیسیون ترتیبات مجلس برای اداره امور گیلان تشکیل جلسه داد و برابر خواست مشروطه‌خواهان حکم به ایالت‌بودن گیلان داد و قرار شد دوازده نماینده در انجمن ایالتی عضویت داشته باشند و در هر یک از شهرهای مهم گیلان نیز انجمن ملی تشکیل شود. تصمیم کمیسیون ترتیبات موجهی از شادی را در بین مردم گیلان به‌وجود آورد و سه شبانه‌روز به جشن و پایکوبی پرداختند (رابینو، ۱۳۸۶، ص ۴۸).

انجمن ایالتی گیلان طی اعلامیه‌ای، خواستار برقراری ارتباط بین شهرهای ایران و



هماهنگی بین تمام مشروطه‌خواهان و آزادی‌خواهان شد. همچنین به سفرای کشورهای خارجی در تهران اعلام کرد که انقلاب در پی احیای حقوق ملی است و هیچ دشمنی با محمدعلی‌شاه ندارد و انجمن تمام تلاش خود را برای تأمین امنیت اتباع خارجی در گیلان به کار خواهد گرفت (فخرایی، ۱۳۷۱، ص ۱۳۹).

انجمن برنامه‌های خود را که عبارت بود از اصلاحات محلی، رفع نواقص ادارات، پیشرفت فرهنگ و توسعه مدارس و بیمارستان‌ها و تأسیسات امور خیریه، استقرار امنیت در تمام ولایات گیلان، تهیه اسلحه و تدارک سپاه برای برقراری آرامش اعلام کرد. انجمن بلافاصله برای اینکه بتواند برنامه‌های اعلام‌شده خود را عمل کند، برخی نهادها مانند انجمن بلدیة که بعد از تصویب قانون بلدیة نوعی مشارکت در اداره امور شهر بود یا انجمن حفظ‌الصحة که به منظور تأمین بهداشت و سلامت عمومی جامعه و یا انجمن معارف، به منظور توسعه و گسترش فرهنگ و همچنین انجمن عدلیه را به منظور نظارت بر کارها و امور ایجاد کرد.

از نکات قابل‌توجه در مورد انجمن ایالتی گیلان این است که اعضای انجمن گیلان در مقایسه با برخی نقاط دیگر روشنفکرتر بودند و درهای انجمن به‌روی اقلیت غیرمسلمان یهودی و ارمنی باز بود. چنانکه «هارتون گالوستیان» جزو اعضای دوازده نفره انجمن گیلان انتخاب شده بود (ملک‌زاده، ۱۳۷۱، ص ۴۵۵ و آفاری، ۱۳۸۵، ص ۱۱۰).

۴- انجمن ملی انزلی

انجمن ملی انزلی نیز همزمان با انجمن ملی رشت، در سال ۱۳۲۴ هجری قمری، تشکیل شد. این انجمن هم در بدو تشکیل با مخالفت اعیان و اشراف و زمین‌داران بزرگ انزلی روبه‌رو شد. بعد از استقرار و افزایش قدرت انجمن، اعیان و اشراف خواستار عضویت در آن شدند. این موضوع با مخالفت جدی مردم و مشروطه‌خواهان تندرو مواجه شد. اعیان و اشراف بی‌کار ننشسته و جداگانه انجمن «سنا» را تشکیل دادند. اختلاف بین این دو انجمن سبب شد، کمیسونی از رشت وارد ماجرا شود و قرار بر آن شد در عمارت معتمدی، انجمنی جدید که عموم مردم از آن راضی باشند، تشکیل شود.

یکی از اقدامات مهم انجمن انزلی در این سال‌ها، مخالفت با حضور و پیاده‌شدن علی‌اصغرخان اتابک ملقب به امین‌السلطان در انزلی بود. علی‌اصغرخان به دستور محمدعلی‌شاه از اروپا فراخوانده شده بود تا منصب صدر اعظمی را به عهده بگیرد. سپهدار تنکابنی حکمران وقت گیلان، خود به استقبال امین‌السلطان به انزلی رفت. مجلس شورای ملی در حکمی به رئیس انجمن ملی رشت، اجازه ورود امین‌السلطان به خاک ایران را ابلاغ کرد و انجمن انزلی نیز به احترام دستور مجلس موافقت خود را مبنی بر ورود امین‌السلطان به ساحل انزلی اعلام



کرد (فاخته جوبنه، ۱۳۸۶، ص ۱۲۰).

به دنبال تشدید اختلاف بین اعضای انجمن ملی انزلی، نمایندگان اعزامی به گیلان از سوی مجلس شورای ملی، انجمن را منحل کردند. انتخابات نمایندگان انزلی در انجمن ولایتی گیلان برگزار شد و به دنبال آن انجمن بلدیة انزلی به منظور انجام امور و رفاه عمومی و برقراری نظم و آرامش و امنیت در جامعه و نظارت بر کار روزمره ادارات در انزلی تشکیل شد (فخرایی، ۱۳۷۱، ص ۱۱۴).

۵- انجمن ملی لاهیجان

انجمن لاهیجان در سال ۱۳۲۴ هجری قمری، تشکیل شد. اولین اقدام این انجمن، برگزاری انتخابات و تعیین شش نماینده برای عضویت در انجمن ملی رشت بود. همچنین تعیین یک نماینده برای مجلس شورای ملی. انجمن ملی لاهیجان بنا بر مصوبه مجلس شورای ملی مبنی بر ولایت بودن گیلان باید منحل شود. اما مردم لاهیجان در برابر این حکم مقاومت کردند و طی تلگرافی به حکم مجلس اعتراض کردند و خواهان ابقای انجمن بودند. اما مجلس شورای ملی علی‌رغم مخابره تلگراف‌های متعدد از سوی مردم لاهیجان به نمایندگان مجلس شورا همچنان حکم به انحلال انجمن لاهیجان داد. معاضدالسلطنه و محمدصفی‌خان، نمایندگان اعزامی مجلس به انزلی رفتند تا انجمن را منحل کنند (رابینو، ۱۳۸۶، ص ۳۰).

۶- انجمن محلی اسالم

از نخستین انجمن‌های محلی که بعد از انجمن‌های ملی رشت، انزلی و لاهیجان تشکیل شد، انجمن محلی اسالم بود. تجار خلخال که در گیلان کسب و کاری داشتند، برای کوتاه کردن دست خوانین و مستبدین از سر رعایا، این انجمن را تشکیل دادند. ولی خان تالشی نایب‌الحکومه اسالم، از طرف سردار امجد به محض ورود به اسالم شروع به تعقیب و آزار و اذیت اعضای انجمن کرد. به طوری که مؤسسان آن که اغلب تجار خلخال بودند، دست از انجمن کشیدند. اختناقی که ولی خان در اسالم به وجود آورده بود به حدی بود که کسی جرأت نکرد نام انجمن را به زبان بیاورد (خارابی، ۱۳۸۰، ص ۴).

۷- سایر انجمن‌های گیلان

تشکیل انجمن محلی بلوکات در لشت‌نشا و لنگرود توسط پنج‌نفر از فرستادگان انجمن ملی رشت به این محلات صورت گرفت. تشکیل انجمن محلی در گرگانرود و آلالان توسط



فرستادگان انجمن ملی انزلی صورت گرفت. اما ارفع السلطنه، نایب‌الحکومه توالش، انجمن محلی توالش را سرکوب کرد و اعضای آن را به حبس و تبعید فرستاد. نزدیک به چهار هزار نفر از اهالی منطقه توالش در اعتراض به اعمال ارفع السلطنه به آستارا رفتند و در تلگراف‌خانه شهر تحصن کردند. در شفت نیز شجاع نظام حاکم شهر، آقا سید باقر، فرستاده انجمن ملی رشت به شفت برای تشکیل انجمن را دستگیر و زندانی کرد.

حکمران وقت گیلان، شاهزاده امیراعظم (سیفی قمی تفرشی، ۱۳۶۲، ص ۱۳۲)، با توسل به زور و خشونت، تمام توان خود را برای اجرای دستور مجلس شورای ملی مبنی بر انحلال انجمن‌های ملی و بلوکات به کار بست.

عایدات انجمن بلدی انزلی

همان‌گونه که پیشتر گفته شد، انجمن بلدی انزلی به دنبال تشدید اختلاف بین اعضای انجمن ملی این شهر و بنا بر صلاحدید نمایندگان مجلس شورای ملی که جهت حل اختلاف به این شهر آمده بودند، منحل شد. به دنبال انحلال انجمن ملی انزلی مردم و نمایندگان این شهر با برگزاری انتخابات موسوم به انجمن ولایتی ضمن برگزیدن نمایندگان ولایتی به انتخاب نماینده برای انجمن بلدی انزلی در سال ۱۳۲۵ هجری دست زدند و نمایندگان خود را معرفی کردند (بیطرفان، ۱۳۹۲، صص ۶۵-۷۷).

یکی از موارد مهم و مورد توجه انجمن بلدی انزلی در همان ابتدای شکل‌گیری، ارائه صورت دقیق دخل و خرج این انجمن بوده است که حتی در مکاتبات خود با مقامات رسمی کشور و ارباب جراید نیز به آن تأکید کردند. این انجمن حتی پیشنهاد داد که در صورت لزوم همه انجمن‌ها صورت دخل و خرج خود را در روزنامه‌های کثیرالانتشار منعکس کنند. در سندی که از انجمن در دست است آمده «اقتضای بلدی بودن انجمن انزلی مرتب بودن موارد دخل است ...». در سند مزبور به دو عایدی مهم انجمن در انزلی یعنی تخم‌مرغ و کُری یا همان عواید پل و راهداری اشاره صریح شده و از وزارت مالیه درخواست شد که اداره گمرک‌خانه با فرستادن مأموری به ثبت و ضبط و جمع‌آوری صحیح آن به همراهی نماینده انجمن اقدام کند (ساکما، سند شماره ۳ / ۶۲۶۰-۲۴۰). در اعلام صورت دخل و خرج انجمن بلدی انزلی، منتشرشده در روزنامه حبل‌المتین نیز این امر تأکیدشده و عایدی از اعضای انجمن و مردم خیر نیز بدان افزوده شده است (حبل‌المتین، ۱۳۲۵، ص ۶). در سند دیگری از انجمن بلدی انزلی به مجلس شورای اسلامی، از مجلس می‌خواهند تا به وزارت مالیه حکم کند تا مأموران گمرک انزلی ضمن همکاری در دریافت مالیات و عواید تخم‌مرغ و کُری یا همان عواید پل و راهداری پول حاصل از آن را در اختیار انجمن قرار دهند (ساکما، سند شماره ۱ / ۶۲۶۰-۲۴۰).



در گزارش مفتش مالیه انزلی به مستشارالسلطان رئیس کل تفتیش مالیه نیز از عواید تخم‌مرغ و نحوهٔ اخذ آن در گمرک انزلی و در اختیار گرفتن این عایدی از سوی انجمن بلدی انزلی در سال ۱۳۲۵ هجری سخن به میان آمده است (ساکما، سند شماره ۶۲۶۰/۹۹-۲۴۰). ظاهراً عایدی تخم‌مرغ در قدیم نیز مرسوم بوده و حکومت گیلان همواره با عنوان عوارض راهداری به هنگام خروج از خاک ایران از افراد اخذ می‌کرده است. به تدریج این عمل اهمیت اقتصادی پیدا کرده و جزو درآمدهای ثابت حکومت محلی قرار گرفت. در زمان حکومت شعاع‌السلطنه و همچنین حکومت سپهدار به صورت مشروع و قانونی در اختیار مباشران و مستاجران قرار داده شد. بعد از متوقف کردن اخذ راهداری و علی‌رغم اینکه اداره گمرک برای حذف آن تلاش‌های زیادی کرد اما نتیجه‌ای نگرفت و همچنان این عمل ادامه یافت (ساکما، سند شماره ۶۲۶۰/۹۹-۲۴۰).

بر اساس اسناد موجود به صراحت می‌توان گفت درآمد انجمن انزلی از سه طریق زیر تأمین می‌شده است:

- دریافتی‌های انجمن از اعضا انجمن و وکلای مردم و بزرگان انزلی و رشت؛
 - عایدی از عوارض صندوق‌های تخم‌مرغ؛
 - عوارض حمام و کُری یا مالیات پل و راهداری.
- در صورت جمع و خرج ارسالی انجمن بلدی انزلی در مدت نه‌ماهه سال ۱۳۲۵ که در روزنامه جبل‌المتین به چاپ رسیده است، صراحتاً به این سه نوع از عایدات و همچنین مخارج و مصارف انجمن اشاره شده است (جبل‌المتین، ۱۳۲۵، ص ۶).
- علاوه‌بر آنچه در جدول ارسالی انجمن به روزنامه جبل‌المتین آمده بزرگان و مردم دیگری نیز به انجمن بلدی کمک مالی می‌کردند. برای نمونه می‌توان از کمک‌های ماهیانه سردار منصور از رجال معروف انزلی به انجمن بلدی این شهر و همچنین حواله هزار تومانی ایشان به جهت مصارف مریضخانه و مدرسه در انزلی اشاره کرد که در روزنامه جبل‌المتین درج شد. در همین جدول دخل و خرج انجمن و در قسمت مربوط به مخارج مریضخانه انزلی به کمک‌های فردی به نام حاجی قاسم رشتی نیز اشاره شده است.

اقدامات انجمن بلدی انزلی

- مرمت آثار و بناهای تاریخی و فرهنگی

در اسناد به‌دست آمده از انجمن بلدی انزلی صراحتاً به چند مورد مصرف عایدات انجمن اشاره شده است. در گزارش مفتش مالیه انزلی آمده است: «مبلغ مذکور را فعلاً به مصارف تعمیرات شمس‌العماره و ابنیه دولتی انزلی می‌رسانند، مسئله دیوار شمس‌العماره و باغ معتمدی



را درست نموده، سر در عمارت را تعمیرات لازمه نموده و بعضی لکه‌گیری لازم را نموده‌اند...»
(ساکما، سند شماره ۶۲۶۰/۹۹-۲۴۰).

– کوشش در جهت نشر معارف

از اقدامات فرهنگی قابل‌تحسین انجمن بلدی انزلی تأسیس و تجهیز مدرسه محمدیه و دعوت از معلمان زبده و مجرب جهت آموزش اطفال و فرزندان مردم بود. انجمن در نامه‌ای به وزیر علوم و معارف وقت، ضمن اعلام ساخت و تجهیز مدرسه محمدیه، درخواست ارسال معلم با کفایت در رشته تحصیلی و در عین حال آگاه به فرهنگ و زبان فارسی و قانع به مواجب تعیین‌شده از سوی انجمن دارد (ساکما، سند شماره ۲۸۵۵۸-۲۹۷؛ روزنامه خیرالکلام، ۱۳۲۵، ص ۳).^۱

– شماره‌دار کردن منازل و سرشماری نفوس

انجمن بلدی انزلی در نخستین گام در برنامه عمرانی خود تمامی عمارت‌ها و سر در خانه‌ها را علی‌رغم مخالفت برخی از رجال و مردم انزلی، مزین به کاشی و شماره (پلاک) کرد. در اقدام دیگری به سرشماری نفوس شهر انزلی پرداخت (روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۲۵، ص ۲).

– اعلام نرخ اقلام مصرفی مردم

از دیگر اقدامات انجمن بلدی انزلی صدور اعلامیه‌هایی مبنی بر اعلام نرخ مصوب نان و گوشت در بین مردم و نصب در نانوائی‌ها و قصابی‌ها بود. این اقدام نیز اگر چه نارضایتی برخی قصاب‌ها را به همراه داشت، ولی اجرا شد و مورد استقبال مردم واقع شد (روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۲۶، ص ۳).

– جلوگیری از ورود و خروج برخی اقلام وارداتی و صادراتی

یکی دیگر از اقدامات مهم انجمن بلدی انزلی جلوگیری از خروج برنج چودار از گمرک انزلی بود. روزنامه مظفری در گزارشی به شرح این مطلب می‌پردازد. ظاهراً دولت روسیه برای حمایت از تجار خود اقدام به واردات برنج چودار که غالباً ارزان‌تر هم بوده، از ایران کرد تا در داخل کشور خود آن را تبدیل به برنج سفید کند. صدور برنج چودار به ضرر کشاورزان و تجار ایرانی بود و لذا اعتراض کرده و خواهان جلوگیری از صدور آن شدند. انجمن بلدی رشت و انزلی در اقدامی مشترک دست به جلوگیری از صدور برنج چودار زدند. برخی از تجار وابسته و متمایل به روسیه با وعده و وعید روس‌ها پنهانی همچنان به صادرات خود ادامه می‌دادند

۱. در سند شماره ۳۱۳۷۳-۲۹۷ نیز انجمن بلدی انزلی ضمن تأکید بر تأسیس مدرسه تقاضای ارسال برنامه درسی جهت تدریس می‌کند.



تا در نهایت با حکم حکومت گیلان این صادرات متوقف شد (روزنامه مظهری، ۱۳۲۵، ص ۶؛ روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۲۵، ص ۲).

اقدام مهم دیگر انجمن بلدی انزلی جلوگیری از ورود بی‌رویه فشنگ به داخل کشور بود. در نامه انجمن به رئیس‌الوزرای وقت در تاریخ ۲۳ ذیحجه ۱۳۲۵ ضمن اشاره به ورود بی‌رویه و بدون گمرکی این کالا به داخل کشور و برانگیختن هیجان عمومی مردم و امکان پیش آمدن مشکلات امنیتی در کشور، خواستار رسیدگی و توجه بیشتر مسئولان امر در این خصوص شد (ساکما، سند شماره ۵ / ۶۶۶۰-۲۴۰).

– ساخت و تجهیز بیمارستان

همان‌گونه که در گزارش دخل‌وخرج انجمن بلدی انزلی منتشره در روزنامه حبل‌المتین تهران آمده، ساخت و تجهیز مریضخانه انزلی از دیگر اقدامات انجمن در شهر انزلی بوده است. این اقدام در دیگر روزنامه‌های رسمی کشور نیز انعکاس داشته است (روزنامه خیرالکلام، ۱۳۲۵، ص ۳).

– نظافت خیابان‌ها و کوچه‌ها و برگزاری کمیسیون‌ها و جشن‌ها

از دیگر اقدامات مهم انجمن بلدی انزلی توجه به نظافت و زیبایی شهری بود. این اقدام به‌طوری موردتوجه روزنامه‌ها واقع شد که انزلی را با شهرهای اروپا مقایسه می‌کردند. گزارشگر روزنامه ندای وطن می‌نویسد: «انزلی با آن کثافت و هرج‌ومرج فعلاً مثل یکی از بلاد فرنگستان است» (روزنامه ندای وطن، ۱۳۲۵، ص ۳).

همچنین انجمن بلدی انزلی به‌دلیل سابقه و نزدیکی به مناطق محلی گرگانرود و اسالم کمیسیون‌هایی برای حل‌وفصل این مناطق و در سالگرد مشروطه و تصویب قانون اساسی مراسم جشن و شادمانی برگزار می‌کرد.

نتیجه‌گیری

از ابتدای جنبش مشروطه‌خواهی ایرانیان، آزادی‌خواهان و روزنامه‌نگاران و روشنفکران گیلانی به روش‌های مختلف به مبارزه با رژیم حاکم پرداختند و با نیروهای مشروطه‌خواه در تهران در ارتباط بودند. با تأسیس انجمن‌های پنهانی و آشکار در نقاط مختلف کشور، گیلان هم از این قاعده مستثنی نبوده و به‌دلیل ارتباط با برخی کشورهای همسایه با نهادهای مدنی و انجمن‌های سیاسی و فرهنگی آشنایی داشت.

با پیروزی مشروطه‌خواهان و تشکیل مجلس شورای ملی و تصویب ایجاد انجمن‌های



ایالتی و ولایتی راه برای توسعه انجمن‌های مردمی باز شد. در این مرحله نیز گیلان و به‌ویژه شهرهای رشت و انزلی پیشگام بوده و از همان ابتدا دست به تشکیل انجمن ملی و سپس با انحلال انجمن‌های ایالتی و ولایتی با اصرار و تلاش فراوان اجازه تأسیس انجمن بلدی به‌عنوان بازوی حکومت در اداره شهرها را گرفت. در این میان انزلی با برگزاری انتخابات یکی از نخستین شهرهایی بود که صاحب انجمن بلدی شد.

این انجمن با گرفتن عایدات گمرکی از محصولات چرم مرغ و همچنین راهداری و عایدات پل یا همان کُری و جمع‌آوری عایدات از اعضای انجمن و برخی از رجال انزلی که متمایل به ایجاد انجمن بودند مشکلات مخارج خود را تأمین کرده و به امور موردنظر در مدیریت شهر انزلی پرداخت. انجمن مزبور از همان ابتدا چند برنامه برای توسعه امور شهری در پیش گرفت که علی‌رغم مخالفت‌های عده‌ای از شخصیت‌ها موفق به اجرای آن شد.



سواد
مورخه
نمبره
تقدیر نامه وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
شماره ثبت ۱۳۲۵
۳ ۲ ۳۳

بدرست رسید

اقتضای امر بودن و بجز از طرف تربیت بدنی و مواردی که در این مورد استغناء می نمودند
مخاطب نموده می شود که با ملاحظه نامه نامه ای که در تاریخ ۱۳۲۵ مورخه ۲۰ شهریور ماه
تیران ثبت عامرین و طرف نامه در وقت یاد می آید که آنست در این مورد که
می شود با این وزارت به یادداشت کلیات جناب و تقصیر و نیز هر یک که از طرف
حساب و دفاتر در دست خود گرفته است و صادره است تا حدی که در این مورد
گذاشته بودی که در صورت لزوم حساب و ثبت می باشد و نیز در این مورد که
درست است و بجز از طرف داروینا به شرح نامه قاضی در این مورد است و این صورت
و این بان را در دست خود نگاه دارد تا این که به طرف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

Please register!
Visual Watermark

سند شماره ۲، ساکما، ۳/۶۲۶۰-۲۴۰





وزارت تجارت

اداره
مورخه
نمبره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در خصوص کرک تا دستجات ذمونه بودند به توسط کرک قرائین نموده
 مجلس سراسر پیش ریس کرک در خدمت بزرگ رانان دادیم اهل ذمونه
 حکم مجلس سراسر سطح دلا مزید تحت فرمان وزارت بلیه سبب نماید
 این بهر توسط کرک گرفته باید وزارت بلیه به مزید بپسندید این قرار
 لهذا امور ذمونه وزارت کرک ریس کرک است در هر صورت بلیه
 همه دفتر منو به تاجیک بی ضمیمه جواز کرک در دفتر خود کرک در دست
 و بچگونگی بستن و ضمن به بلیه از انجمن منع گرفته می شود کرک
 در راه دریافت کرده یا اینکه صورت بلیه و صورت هم از خواهر قریب
 بجای کرک به بلیه موافق انجمن صورت بلیه گرفته شود هم آدمی دیگر
 نامش در اجماع اجراء کرک نشوند در در سراسر این صورت و در صورت
 کسر نشود امید است محض بفرقت مقاصد انجمن این هر سند را قبول
 در وزارت بلیه هم خواهد سپرد ده شش به ریس کرک بپسندید
 از این هر سند انجمن را در دست
 انجمن بلیه از کرک

Please register!
Visual Watermark

سند شماره ۴، ساکما، ۶۲۶۰/۹۹-۲۴۰

منابع

- آفاری، ژانت (۱۳۸۵). *انقلاب مشروطه ایران*. ترجمه رضا رضایی، تهران: نشر بیستون.
- بیطرفان، محمد (۱۳۹۲). *حکومت مشروطه و شکل‌گیری مدیریت جدید شهری در انزلی (۱۳۲۴-۱۳۲۶)*. مجله *اسناد بهارستان*، شماره اول، بهار ۶۵-۷۷.
- خرابی، فاروق (۱۳۸۰). مسئله ارضی و منازعات ایالت یا ولایت بودن گیلان. *مجله نامه انجمن*، ۱ (۱۶۱)، ص ۴.
- رایینو، ه. ل. (۱۳۶۸). *مشروطه گیلان*. به کوشش محمد روشن. رشت: انتشارات طاعتی.
- روزنامه حیل‌المتین (۱۳۲۵). سال اول، شماره ۱۸۹، ۱۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۵، ص ۶.
- روزنامه حیل‌المتین تهران (۱۳۲۵). شماره ۱۳۹، ۴ رمضان ۱۳۲۵، ص ۲.
- روزنامه حیل‌المتین تهران (۱۳۲۶). شماره ۲۳۰، ۱۵ محرم ۱۳۲۶، ص ۳.
- روزنامه خیرالکلام (۱۳۲۵). سال اول، شماره ۳، ۲ رجب ۱۳۲۵، ص ۳.
- روزنامه مظفری (۱۳۲۵). سال ششم، شماره ۳۵، ۲۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۵، ص ۶.
- روزنامه خیرالکلام (۱۳۲۵). سال اول، شماره ۳، ۲ رجب ۱۳۲۵، ص ۳.
- روزنامه ندای وطن (۱۳۲۵). سال اول، شماره ۸۲، ۸ رمضان ۱۳۲۵، ص ۳.
- ساکما، سند شماره ۶۲۶۰/۹۹-۶۲۴۰-۶۲۵۰.
- ساکما، سند شماره ۲۸۵۵۸-۲۹۷.
- ساکما، سند شماره ۶۲۶۰/۵-۲۴۰.
- ساکما، سند شماره ۶۲۶۰/۹۹-۲۴۰.
- ساکما، سند شماره ۶۲۶۰/۱۰۱-۲۴۰.
- ساکما، سند شماره ۶۲۶۰/۳-۲۴۰.
- سیفی قمی نفرشی، مرتضی (۱۳۶۲). *نظم و نظمیه در دوره قاجار*. تهران: انتشارات یساولی.
- فاخته جوبنه، قربان (۱۳۸۶). *تاریخ گیلان*. رشت: فرهنگ ایلیا.
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۷۱). *گیلان در جنبش مشروطیت*. تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۷۱). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*. تهران: انتشارات علمی.
- یوسف‌دهی، هومن (۱۳۸۷). *انجمن‌های گیلان در عصر مشروطه*. رشت: فرهنگ ایلیا.



